

یکشنبه ۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸

مرجان کمال

یادداشت های پراکنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت بیست و یکم

دزدیده چون جان میروی، اندر میان جان من	سرو خرامان منی، ای رونق بوستان من
تا آمدی اندر برم، شد کفر و ایمان چاکرم	ای دیده تو دین من، وی روی تو ایمان من
بی پا و سر کردی مرا بی خواب و خور کردی مرا	سر مست و خندان اندر آ، ای دختر خندان من
از لطف تو چون جان شدم وز خویشتن پنهان شدم	ای هست تو پنهان شده در هستی پنهان من

(مولانای بلخی : دیوان غزلیات شمس)



از چه باید کرزی شرمساری داشته باشد؟

از ناتوانی دولت، که نمی تواند بی طرف عمل کند، تأثیر آنی کشت بدیل کوکنار و خراب شدن ارتباطات بین دولت و جامعه.

دولت از جانب اهالی به مثل یک مرجع سیاسی خارجی، که از طرف قدرت های محلی به اسارت گرفته شده باشد، و می خواهد قدرت خود را بالای دهات و قریه جات، که زیادت و وابستگی به شبکه های فراملتی قاچاقبران دارند، نظر به قدرت مرکزی تحمیل نماید.

موجودیت یک مرکز سیاسی که محدود به یگان ولسوالی دور افتاده، صرفاً به نام حضور دارند (و یا موجودیت یک ساختمان برای پذیرائی نمایندگان قوت های دولتی).

با عملی کردن نابودی کشت کوکنار زیادتر فامیل های فقیر و نادار از آن صدمه می بینند:

- و یا مثل سرخرودی ها معامله و مذاکره صورت گیرد؛

- دولت مجبور است از استعمال قوت کار بگیرد؛

- اگر به اصل و ریشه یک درگیری مراجعه شود به طور نمونه « یک قبیله علیه دولت »:

مثل واقعه زمین در ارتفاع بلند در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار، که زیادتر از پنج ساعت از مرکز شهر جلال آباد دور و سرک های کوهستانی که به آن ختم می شود دارای پیچ و خم های زیاد می باشد.

و به عین ترتیب، زمین های که در ارتفاع بلند در ولسوالی های شینوار و خوگیانی موقعیت دارند.

در ولسوالی اچین هیئتی که برای نابودی کشت کوکنار آمده بودند با پرتاب نمودن سنگ ها از طرف مردم بدرقه شدند.

در دو قبیله خوگیانی و شینوار، هر دو قبیله با هم یکجا شده و مانند یک عایق از تجاوز دولت از خود محافظه نمودند.

خراب شدن روابط با دولت مخصوصاً بعد از سخنرانی که زیادتر برای خوش ساختن و قناعت دادن خارجی ها بود، در قدم اول به اهالی و دهاقین بی بضاعت صدمه وارد گردید.

در مطالعه و ریسرچ دُوید منسفیلد (David Mansfield) که در سال ۲۰۰۵ در ننگرهار صورت گرفته بود تمام نقل قول هایش کاملاً به همان سمت که قبلاً ذکر گردید دلالت می کند.

عمدتاً : کرزی از چه باید شرمسار باشد؟

از این که افغانستان تریاک صادر می کند؟

یا از این که تمام مردمش از گرسنگی می میرند؟

رد نمودن کمک بین المللی توسط مخالفین باعث عدم دسترسی دهاقین به پول نقد که به آن ضرورت حیاتی دارند.

در بین ده ولایتی که برای از بین بردن کشت کوکنار و پلان کشت بدیل آن که زیادترین ولایاتی تولید کشت کوکنار و تولید کنندگان بزرگ تریاک هستند، از جمله ولایات، دو ولایتی که بزرگ ترین ولایات کشت کوکنار و تولید تریاک، قندهار و ننگرهار، هر یک به نوبه خود به ترتیب چهارده فیصد و یازده فیصد از تمام مقدار کمک به دست آوردند. مقدار پول اختصاصی این دو ولایت نظر به ساحاتی که در بالای آن ها کوکنار کشت می شود به تناسب باقی ملک کمترین تخمین گردیده و کفایت به احتیاجات فامیل ها به پول نقد را تکافو نمی کند. باید علاوه گردد که اگر پول نقد

کافی هم باشد، آن ها کوشش می کنند تا آنرا به پروژه های مختلف خورد دیگر مصرف نمایند. آژانس های بین المللی که اجراء کننده پروژه ها می باشند، از طرف مردم به حیث یک جزء یا قسمت همین سیستم که تهداب آن بالای نابرابری استوار گردیده است، محسوب می گردند. در تقسیمات غنا به آن هائی که به قدرت مرکزی نزدیکی دارند در نظر می گیرند.

در ننگرهار، اکثریت پشتون ها به این عقیده هستند که کمک ها توسط قوم پشه یی که اقلیت را در این ولایت تشکیل می دهند، انحصار شده است. (به مین)

پشه یی ها در ولایت ننگرهار در ارتفاع بلند کوهستانی در یک دره ای که به نام دره نور یاد می شود، اقامت گزین هستند، یک شخص زورآور اصیل ولایت این منطقه می باشد، وی ثروت خود را از برکت کنترل میدان هوایی جلال آباد در هنگام جنگ، توسط قاچاق تریاک و قاچاق اسلحه به دست آورد.

بعد از سال ۲۰۰۱ به حیث قوماندان پولیس در ولایت مقرر گردیده، و بعداً جهت کاندید شدن به ولسی جرگه از سمت خود استعفی داد، و از جمله کاندیدان زیادترین رأی را بدست آورد، البته با تقلب و پر کردن صندوق های رأی دهی، که سبب کامیابی وی در ولسی جرگه شد، نزدیکی وی با محمد قسیم فهیم وزیر دفاع بین سال های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ بوده، و به این ترتیب وی از یک مرد پولدار به یک مرد سیاسی در شمال شرق کشور مبدل گردید.

فلهذا دره ای که وی از آنجا است بر علاوه اینکه این دره از جمله نقاط تولید کننده تریاک نیست، لکن یک مقدار هنگفت پول توسط اتحادیه اروپائی در کدر یک پروژه ای به نام «Afghan – Roses- Project» جهت کشت بدیل کوکنار پرداخته شد.

و از جانب دیگر این قوماندان باعث دسترسی تعداد زیادی از پشه یی ها به کار گردید که از آن جمله به حیث پرسونل امنیتی برای آژانس های بین المللی که در جلال آباد کار می کنند و هم یک تعداد زیاد شان ترجمان های قوای نظامی خارجی ها است، یاد کرد.

بالاخره دولت افغانستان و جامعه بین المللی به نسبت داشتن روابط همراهی سران قومی نیز متهم دانسته شده و اعتبار خود را از دست داده اند.

به یقین در کدر مذاکره برای نابودی کشت کوکنار، ارتباط بین دولت و اشخاصی که به کشت کوکنار دست دارند، همین سران قومی می باشند، که سران قومی به صفت ضامن جهت پرداخت به کمک برای جبران خسارات که در نتیجه نابودی کشت کوکنار متحمل شده اند، این کمک و مساعدت به جایی که لازم بود نرسید.

ادامه دارد